

شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان با استفاده از رویکرد فراترکیب

زهرا نوروزی^۱

(دریافت ۱۴۰۲/۱۱/۲۰ پذیرش ۱۴۰۳/۲/۱۰)

چکیده

هدف: مشارکت اقتصادی زنان به عنوان یکی از عوامل کلیدی توسعه پایدار و کاهش نابرابری جنسیتی شناخته شده است. با این حال، شواهد در مورد شدت این تأثیر متفاوت هستند. هدف اصلی این مطالعه شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان است.

روش: این تحقیق از نظر روش، کیفی و از نظر رویکرد، فراترکیب است و ماهیت آن توسعه‌ای می باشد. در این پژوهش، با توجه به استفاده از رویکرد فراترکیب، جستجو در پایگاه‌های علمی شامل اسکوپوس، امرالد، مگیران، پرتال جامع علوم انسانی انجام شد. با استفاده از واژگان کلیدی مرتبط با مشارکت اقتصادی زنان و با حذف مقالات نامرتب و نامطلوب بر اساس چرخه‌ای که از طریق الگوی پریزما و آزمون برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی صورت گرفت، در نهایت ۳۵ مقاله مرتبط باقی ماند.

یافته‌ها: تحلیل و ترکیب کدها و ارزیابی آن‌ها با استفاده از شاخص کاپا، نشان‌دهنده شناسایی ۵ کد انتخابی (عوامل فردی، عوامل اجتماعی، عوامل سیاسی، عوامل فرهنگی و عوامل آموزشی) و ۳۹ کد محوری می باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که مشارکت اقتصادی زنان با افزایش تولید ناخالص داخلی، کاهش فقر، بهبود سلامت و آموزش کودکان و تقویت دموکراسی رابطه مثبت دارد. همچنین، این مشارکت بر اهمیت سیاست‌های حمایتی برای گسترش فرصت‌های شغلی و آموزشی برای زنان، اصلاح قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز و تقویت فرهنگ برابری جنسیتی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت اقتصادی، رشد اقتصادی، توانمندسازی زنان، فراترکیب.

۱. مقدمه

نرخ مشارکت اقتصادی زنان یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در یک جامعه است. در سال‌های اخیر، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در بسیاری از کشورها افزایش یافته است، اما هنوز هم زنان در بسیاری از جوامع با موانعی برای ورود به بازار کار و مشارکت اقتصادی مواجه هستند. مشارکت اقتصادی زنان در سطح جهانی پایین‌تر از مردان است و این شکاف جنسیتی در بسیاری از مناطق جهان همچنان پابرجاست.

در سال ۲۰۲۲، نرخ مشارکت نیروی کار زنان در سطح جهانی ۴۷,۴ درصد بود، در حالی که این نرخ برای مردان ۷۲,۶ درصد گزارش شده است (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۲۳). این آمار نشان می‌دهد که زنان به‌طور قابل توجهی کمتر از مردان در بازار کار مشارکت دارند. همچنین، شکاف جنسیتی در اشتغال، که به‌عنوان تفاوت بین نرخ اشتغال مردان و زنان تعریف می‌شود، در سال ۲۰۲۲ به میزان ۲۴,۹ درصد بود (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۲۳). این بدان معناست که برای هر ۱۰۰ مرد شاغل، تنها ۷۵ زن شاغل وجود دارد.

از سوی دیگر، زنان به‌طور نامتناسبی در مشاغل غیررسمی و کم‌درآمد مشغول به کار هستند (بانک جهانی، ۲۰۲۰). این مشاغل اغلب فاقد امنیت شغلی، مزایای اجتماعی و حمایت‌های قانونی می‌باشند. همچنین، زنان بخش قابل توجهی از کار بدون مزد، مانند مراقبت از کودکان و سالمندان را انجام می‌دهند (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵). این نوع کار، که معمولاً نادیده گرفته می‌شود، به‌عنوان یک مانع برای مشارکت اقتصادی زنان عمل می‌کند. علاوه بر این، زنان در سراسر جهان با موانع متعددی برای راه‌اندازی و اداره کسب‌وکار مواجه هستند (OECD, ۲۰۱۸). این موانع شامل دسترسی محدود به منابع مالی، آموزش و شبکه‌های حمایتی می‌باشند.

با این حال، زنان در بسیاری از جوامع با موانعی برای ورود به بازار کار مواجه هستند. این موانع می‌توانند شامل کمبود فرصت‌های شغلی، عدم دسترسی به آموزش و پرورش و تبعیض جنسیتی باشند. در این راستا، سیاست‌های حمایتی مانند مرخصی زایمان، مرخصی والدین و آموزش و پرورش می‌توانند به افزایش نرخ مشارکت اقتصادی زنان کمک کنند. همچنین فناوری می‌تواند نقش مهمی در افزایش نرخ مشارکت اقتصادی زنان ایفا کند. به‌عنوان مثال، کار از راه دور و کار آنلاین به زنان این امکان را می‌دهد که در بازار کار شرکت کنند بدون اینکه مجبور به ترک خانه باشند.

آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین عوامل برای افزایش نرخ مشارکت اقتصادی زنان است. زنان با تحصیلات بالاتر بیشتر احتمال دارد که در بازار کار شرکت کنند و درآمد بالاتری داشته باشند. سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و بانک جهانی می‌توانند به افزایش نرخ مشارکت

اقتصادی زنان کمک کنند. این سازمان‌ها می‌توانند به دولت‌ها و سازمان‌های محلی در اجرای سیاست‌های حمایتی و افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان یاری رسانند.

از این‌رو، اشتغال زنان یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی و اقتصادی در جوامع امروزی است که تأثیر قابل توجهی بر توسعه اقتصادی و برابری جنسیتی دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که اشتغال زنان نه تنها به استقلال مالی آن‌ها کمک می‌کند، بلکه به رشد اقتصادی کشورها نیز کمک قابل توجهی می‌نماید (بانک جهانی^۱، ۲۰۱۹). با این حال، تبعیض جنسیتی در محیط کار، دستمزد نابرابر و مشکلات مربوط به تعادل بین کار و زندگی خانوادگی از جمله چالش‌های مهمی هستند که زنان شاغل با آن مواجه می‌شوند (گارسیا^۲، ۲۰۲۱).

این مقاله به بررسی وضعیت فعلی اشتغال زنان، موانع و چالش‌های پیش روی آن‌ها و راهکارهای بهبود شرایط اشتغال زنان می‌پردازد. همچنین، تأثیر سیاست‌های دولتی و نقش سازمان‌های بین‌المللی در ارتقای وضعیت اشتغال زنان مورد بحث قرار خواهد گرفت (سازمان ملل^۳، ۲۰۲۲). برخی از کارشناسان معتقدند که برای تبدیل دستاوردهای تحصیلی زنان به قدرت مالی و موقعیت حرفه‌ای واقعی، باید روحیه صنف‌پرستی و گروه‌بندی‌های حرفه‌ای و شغلی تغییر یابد، زیرا زنان هنوز هم با ساختارهای انعطاف‌پذیری در محل کار و در فرصت‌های اشتغال مواجه هستند که تبعیض‌های مبتنی بر جنسیت و روابط خویشاوندی بر آن‌ها حاکم است (موفقیان، ۱۳۸۲).

به‌طور کلی، مشارکت اقتصادی زنان تأثیر قابل توجهی بر تقویت تأمین اجتماعی و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی یک جامعه دارد. این مشارکت منجر به افزایش درآمد، تقویت تأمین اجتماعی، تغییر نقش زنان، توسعه اقتصادی، بهبود سلامت و آموزش، تعدیل نابرابری‌های جنسیتی، تأثیر بر سیاست‌های دولتی و تأثیر بر نسل آینده می‌شود. لذا هدف از این مطالعه، ارائه تصویری جامع از مشارکت اقتصادی زنان و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود شرایط آن‌ها برای مشارکت در بازار کار است. در این پژوهش با استفاده از روش فراترکیب، شواهد تجربی از پژوهش‌های قبلی بررسی شده و به شناسایی عوامل کلیدی پرداخته می‌شود.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

مشارکت اقتصادی به همکاری و همیاری بین افراد، کسب و کارها، سازمان‌ها و دولت‌ها برای تحقق اهداف اقتصادی مشترک اشاره دارد (بالدوین و کلارک^۴، ۲۰۰۰). این مفهوم می‌تواند به افزایش بهره‌وری و

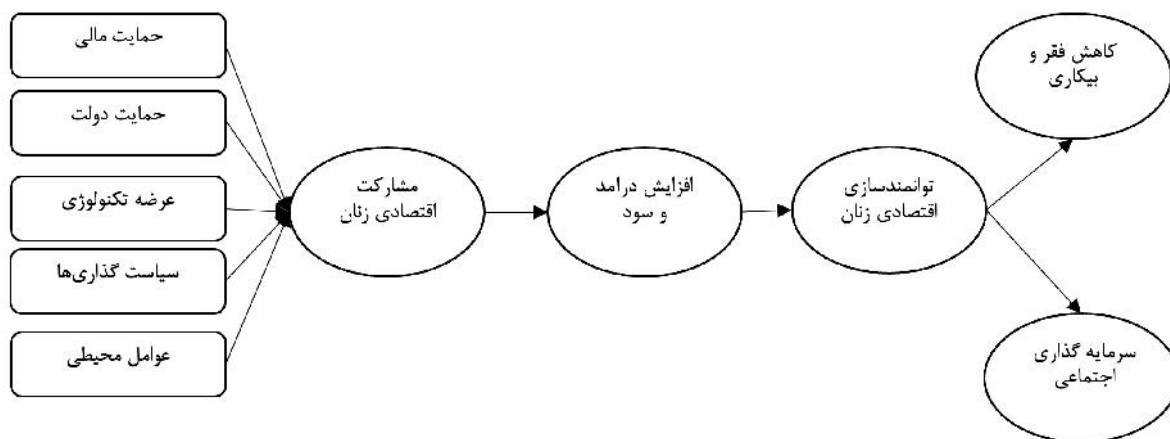
1. World Bank
2. Garcia
3. United Nations
4. Baldwin & Clark

کارایی اقتصادی، کاهش نابرابری اقتصادی و افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی منجر شود (فری من^۱، ۱۹۹۵، فوکویاما^۲، ۱۹۹۵).

در این مقاله، به بررسی نقش زنان در مشارکت اقتصادی پرداخته می‌شود. زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جهان، نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند. با این حال، آن‌ها در بسیاری از جوامع با موانع و محدودیت‌هایی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی مواجه هستند (بانک جهانی، ۲۰۱۹).

۲-۱. مشارکت اقتصادی زنان:

خانواده همواره یکی از نهادهای مهم اجتماعی و فرزندآوری است و در این میان، زنان نقش اصلی را ایفا می‌کنند. در عرصه قواعد بین‌المللی و قوانین داخلی نیز بر مسئولیت‌های زنان و ضرورت حمایت از آن‌ها و نقش آن‌ها در مشارکت و رشد اقتصادی جامعه تأکید شده است (گراوند، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، فقر معمولاً به‌عنوان عدم دسترسی به درآمد، توانمندسازی، فرصت‌ها و خدمات اولیه نامیده می‌شود. این شرایط اغلب به‌طور جدایی‌ناپذیری با نابرابری‌ها و طرد اجتماعی مرتبط است. عدم شناخت نیازهای زنان و عدم به‌کارگیری جنسیتی در سیاست‌ها و اقدامات به تداوم فقر، زندگی مشقت‌بار و نابرابری جنسیتی کمک می‌کند. نابرابری‌های جنسیتی به‌شدت با فقر، امنیت محدود و دسترسی محدود به فرصت‌ها مرتبط است. در عین حال، کاهش فقر ارتباط تنگاتنگی با توانمندسازی اقتصادی، کنترل و دسترسی به منابع و فناوری‌ها از جمله در بخش انرژی دارد. در این شرایط، مشارکت اقتصادی زنان در بخش انرژی از طریق توسعه کسب‌وکار مزایای متعددی را ارائه می‌کند. این نه تنها به پیشرفت اقتصادی زنان و جوامع آن‌ها کمک می‌کند. نابرابری‌های جنسیتی به‌شدت با فقر، امنیت محدود و دسترسی محدود به فرصت‌ها مرتبط است (www.wvi.org).



شکل ۱. چهارچوب توانمندسازی اقتصادی زنان

منبع: www.wvi.org

1. Freeman
2. Fukuyama

نرخ مشارکت نیروی کار یک اقتصاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تولید تعیین‌کننده رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. میزان مشارکت نیروی کار زنان در کل نیروی کار پیچیده است و در سراسر جهان متفاوت است. برخی از مهم‌ترین نظریه‌ها در خصوص میزان اشتغال زنان عبارت‌اند از:

۱. **نظریه سرمایه انسانی مینسر**^۱: این نظریه یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در اقتصاد کار و آموزش است. بر اساس این نظریه، سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌های انسانی منجر به افزایش بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه افزایش درآمد فردی می‌شود (مینسر، ۱۹۵۸). مینسر در مدل خود، لگاریتم درآمد را به‌عنوان تابعی از سال‌های تحصیل و تجربه کاری در نظر گرفته است. بر این اساس، هر سال تحصیل اضافی و هر سال تجربه کاری، با افزایش درآمد فرد همراه است (مینسر، ۱۹۷۴). همچنین، مینسر نشان داد که بازده سرمایه‌گذاری در آموزش، بسته به سطح تحصیلات فرد متفاوت است و افراد با تحصیلات بالاتر، بازده بیشتری از سرمایه‌گذاری در آموزش کسب می‌کنند (مینسر، ۱۹۵۸).

نظریه سرمایه انسانی مینسر تأثیر قابل‌توجهی بر ادبیات اقتصاد کار و آموزش داشته است. بسیاری از مطالعات تجربی با استفاده از مدل مینسر، رابطه بین آموزش، تجربه و درآمد را بررسی کرده‌اند (کارد^۲، ۱۹۹۹، هکمن^۳ و همکاران، ۲۰۰۶). باین‌حال، برخی از محققان نیز انتقاداتی را به این نظریه وارد کرده‌اند، از جمله عدم توجه کافی به کیفیت آموزش و تفاوت‌های فردی در توانایی‌ها (کارد، ۱۹۹۹). بر اساس این نظریه، زنان با تحصیلات راهنمایی یا تحصیلات عالی از مزیت اقتصادی بیشتری نسبت به زنان بدون تحصیلات رسمی برخوردارند (نام^۴، ۱۹۹۱).

به گفته پیرس براون (۱۹۹۸)، نظریه سرمایه انسانی اولین نظریه متمایز است که شکاف بین دستمزد مرد و زن را تحلیل می‌کند. این نظریه بر انتخاب‌های داوطلبانه به‌عنوان تعیین‌کننده تفاوت‌های شغل و پاداش در طول عمر کارکنان تأکید می‌کند. یکی از مدافعان اولیه نظریه سرمایه انسانی بکر^۵ (۱۹۷۵) است. بکر معتقد است که در طول زندگی کاری خود، زنان به‌طور متوسط در مقایسه با مردان بهره‌وری کمتری دارند، زیرا آن‌ها تمایل دارند برای مرخصی زایمان و مراقبت از کودک استراحت کنند. علاوه‌براین، زنان مسئولیت اصلی کارهای خانگی بدون مزد را بر عهده‌دارند؛ بنابراین، این نظریه بر اهمیت آموزش و پرورش در توسعه سرمایه انسانی تأکید می‌کند.

نظریه سرمایه انسانی معتقد است که مشارکت زنان در نیروی کار تحت تأثیر مزیت اقتصادی مولد زنان است که با سطح تحصیلات آن‌ها، دارایی‌های سرمایه غیرانسانی آن‌ها، نرخ بقای کودکان پس از تولد و

1. Mincer
2. Card
3. Heckman
4. Nam
5. Becker

محیط اجتماعی منعکس می‌شود. به‌طور کلی انتظار می‌رود که آموزش زنان تأثیر مثبتی بر مشارکت در بازار کار داشته باشد و درعین حال تعداد فرزندان حاصل از زنان را کاهش دهد.

۲. دیدگاه اقتصاددانان نئوکلاسیک: دیدگاه اقتصاددانان نئوکلاسیک در مورد اشتغال زنان، بر اساس اصول بنیادین این مکتب فکری، بر انتخاب عقلانی و توازن هزینه-فایده استوار است (بکر، ۱۹۷۱). آن‌ها معتقدند که زنان، همانند مردان، با توجه به محدودیت‌های زمانی و منابع خود، تصمیم می‌گیرند که آیا وارد بازار کار شوند یا در خانه بمانند و به وظایف سنتی خود مانند مراقبت از فرزندان و امور منزل بپردازند (مینسر، ۱۹۶۲).

در این دیدگاه، هزینه فرصت نقش مهمی ایفا می‌کند. هزینه فرصت اشتغال زنان شامل از دست دادن درآمد حاصل از فعالیت‌های خانگی و مراقبت از فرزندان است. در مقابل، فایده اشتغال شامل درآمد، استقلال مالی و رضایت شغلی می‌شود. زنان با سنجش هزینه‌ها و فایده‌ها، تصمیمی می‌گیرند که برای آن‌ها بیشترین مطلوبیت را به همراه داشته باشد (بکر، ۱۹۸۱).

عوامل مختلفی می‌توانند بر تصمیم‌گیری زنان در مورد اشتغال تأثیر بگذارند. از جمله این عوامل می‌توان به سطح تحصیلات، مهارت‌های شغلی، دستمزد، هزینه‌های مراقبت از کودکان، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و سیاست‌های دولت اشاره کرد (گلدین^۱، ۱۹۹۰). اقتصاددانان نئوکلاسیک معتقدند که افزایش سطح تحصیلات و مهارت‌های شغلی زنان، منجر به افزایش دستمزد و در نتیجه، افزایش تمایل آن‌ها به اشتغال می‌شود. همچنین، کاهش هزینه‌های مراقبت از کودکان و سیاست‌های حمایتی دولت، می‌تواند به زنان کمک کند تا راحت‌تر وارد بازار کار شوند (بلا و خان^۲، ۲۰۱۷).

با این حال، برخی منتقدان این دیدگاه را به دلیل نادیده گرفتن عوامل ساختاری و تبعیض جنسیتی در بازار کار، ناکافی می‌دانند. آن‌ها معتقدند که نابرابری در دستمزدها، فرصت‌های شغلی محدود و هنجارهای اجتماعی تبعیض‌آمیز، مانع از دستیابی زنان به اشتغال کامل و برابر با مردان می‌شود (انگلند^۳، ۱۹۹۲). در نهایت، می‌توان گفت که دیدگاه اقتصاددانان نئوکلاسیک در مورد اشتغال زنان، بر انتخاب عقلانی و موازنه هزینه-فایده تأکید دارد. با این حال، برای درک کامل این پدیده، لازم است که عوامل ساختاری و تبعیض جنسیتی نیز در نظر گرفته شود.

۳. نظریه تجزیه شدن بازار کار: نظریه تجزیه شدن بازار کار^۴ در دهه ۱۹۷۰ توسط اقتصاددانان مانند پیتر دوئل^۵ و مایکل پیرو^۶ توسعه یافت. این نظریه به‌عنوان یک پاسخ به نظریه‌های سنتی بازار کار که

1. Goldin
2. Blau & Khan
3. England
4. Segmented Labor Market Theory
5. Peter Doeringer
6. Michael Piore

بر اساس تقاضا و عرضه کار شکل گرفته بودند، معرفی شد.

این نظریه یک چهارچوب تحلیلی است که بازار کار را به چندین زیربازار تقسیم می‌کند که کارگران با ویژگی‌های خاصی در هر زیربازار قرار می‌گیرند. نظریه تجزیه شدن بازار کار بر این ایده استوار است که بازار کار از دو زیربازار اصلی تشکیل شده است که هر کدام دارای ویژگی‌های خاصی مانند مهارت، تجربه و جنسیت هستند.

۱. زیربازار اولیه^۱: این زیربازار شامل مشاغلی است که در آن کارگران دارای مهارت و تجربه بالا هستند و در شرکت‌های بزرگ و پایدار کار می‌کنند. در این زیربازار، کارگران دارای حقوق و مزایای بالا هستند و شرایط کاری آن‌ها مناسب است.

۲. زیربازار ثانویه^۲: این زیربازار شامل مشاغلی است که در آن کارگران دارای مهارت و تجربه پایین هستند و در شرکت‌های کوچک و ناپایدار کار می‌کنند. در این زیربازار، کارگران دارای حقوق و مزایای پایین هستند و شرایط کاری آن‌ها نامناسب است.

در نظریه تجزیه شدن بازار کار، اشتغال زنان عمدتاً در زیربازار ثانویه قرار می‌گیرد. زنان اغلب در مشاغلی مانند کارگری، نظافتچی، کارمند اداری و سایر مشاغل خدماتی کار می‌کنند که در زیربازار ثانویه قرار دارند. این مشاغل معمولاً دارای حقوق و مزایای پایین هستند و شرایط کاری آن‌ها نامناسب است.

دلایل متعددی برای این وضعیت وجود دارد. به عنوان مثال، زنان معمولاً دارای سطح تحصیلات پایین‌تری نسبت به مردان هستند که منجر به محدودیت‌های بیشتر در دسترسی به مشاغل با حقوق و مزایای بالاتر می‌شود. همچنین زنان اغلب با انتظارات اجتماعی برای انجام وظایف خانگی و مراقبت از کودکان مواجه هستند که می‌تواند مانع از حضور آن‌ها در بازار کار شود.

علاوه بر این، زنان اغلب با تبعیض در بازار کار مواجه هستند که می‌تواند آن‌ها را به سمت مشاغل با حقوق و مزایای پایین‌تر سوق دهد. در نتیجه نظریه تجزیه شدن بازار کار و اشتغال زنان نشان می‌دهد که زنان اغلب در زیربازارهای کار با حقوق و مزایای پایین‌تر قرار می‌گیرند. این می‌تواند منجر به افزایش فقر و نابرابری جنسیتی در جامعه شود.

۴. نظریه رفاه: این نظریه قدیمی‌ترین و درعین حال متداول‌ترین چهارچوب نظری اشتغال زنان در کشورهای در حال توسعه است و بر مبنای دو پیش‌فرض «زنان عوامل دریافت‌کننده، بدون شرکت فعالانه در فرایند توسعه و فقط گیرنده کمک‌ها به حساب می‌آیند و نقش مادرانه مهم‌ترین نقش اجتماعی آن‌هاست» بنا شده است.

1. Primary Labor Market
2. Scondary Labor Market

این نظریه بر خانواده تمرکز دارد و نقش زنان را به‌عنوان متولدکنندهٔ کودک مدنظر قرار می‌دهد. روش اصلی در اجرای اصول این نظریه، تخصیص کمک‌های نقدی، کالا و خدمات رایگان به زنان است. در این چهارچوب اگر آموزشی در نظر گرفته شود، محتوای آموزش‌ها متناسب با نقش زنان خانه‌دار به شکل همسر و مادر تنظیم می‌شود و در نتیجه، کمک‌رسانی به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نقطهٔ قوت این نظریه در برنامه‌های رفاه خانواده و برای بقای فیزیکی خانواده متجلی می‌شود (شادی طلب، ۱۳۸۱).

۵. نظریهٔ تواناسازی: این چهارچوب نظری عمدتاً بر اساس شرایط کشورهای در حال توسعه و تجربه سازمان‌های مؤثر در مسائل زنان طراحی شده است. محور اصلی این نظریه، تغییر ساختار و شرایطی است که نابرابری را به زنان تحمیل می‌کند.

این نظریه بر پیش‌فرض «ارتقاء توان زنان برای اتکا به خود، موجب افزایش قدرت آن‌ها می‌شود» استوار است. قدرت، نشانهٔ برتری فرد بر فرد نیست بلکه کنترل موانع مادی و غیرمادی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر و برابری کمک کند. از نظر طرفداران این نظریه، برآورده ساختن نیازهای اساسی، از حقوق اولیهٔ تمام افراد است و هر فردی باید امکان آن را داشته باشد که از تمام توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده کند. بنابراین، زنان باید بیاموزند که با خودباوری و پذیرش مسئولیت، چه در خانواده و چه در جامعه، مشارکت کنند. نظریهٔ تواناسازی مانند نظریهٔ رفاه، به نقش باروری زنان توجه دارد و برای بهبود آن معتقد به ارائهٔ خدمات است. همچنین، این نظریه به دو نقش دیگر زنان، یعنی نقش تولیدکننده و مشارکت‌کننده در تصمیم‌گیری‌های جامعه، نیز تأکید می‌کند (گوگردچیان و همکاران، ۱۳۹۳).

۲-۲. سیاست‌گذاری اجتماعی:

سیاست‌گذاری اجتماعی درباره موضوعات متعدد و متفاوتی شکل می‌گیرد که بر زندگی تمامی افراد تأثیرگذار است. این سیاست‌ها شامل خدمات اساسی مانند بهداشت و آموزش، وسایل معاش از جمله شغل و درآمد، و نیازهای حیاتی (اما نادیدنی) مانند عشق و امنیت می‌شوند.

این نیازها می‌توانند از طریق دولت و مقامات رسمی، شرکت‌ها، گروه‌های اجتماعی، مؤسسات خیریه، انجمن‌های محلی و همچنین از طریق همسایگان، خانواده‌ها و خویشاوندان سازمان‌دهی شوند. شناخت این نیازها و پاسخ‌گویی به آن‌ها، اساس سیاست‌گذاری اجتماعی را تشکیل می‌دهد (حسینی و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۸).

۲-۳. پیشینه تجربی:

در پژوهش‌های داخلی نتایج مطالعه میرحسینی و عباسپور (۱۴۰۲) در بررسی شناسایی موانع و عوامل بازدارنده مشارکت زنان در اقتصاد و توسعه نشان داده است که علل امتناع و عدم مشارکت زنان در رشد اقتصادی شامل سه دسته زیر است:

● **بازدارنده‌های فردی و خانوادگی:** این موانع شامل محدودیت‌های شخصی، نقش‌های سنتی خانوادگی و انتظارات اجتماعی هستند که می‌توانند بر تصمیم‌گیری زنان برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی تأثیر بگذارند.

● **موانع فرهنگی اجتماعی:** این موانع به نگرش‌ها و باورهای فرهنگی مربوط می‌شوند که ممکن است به عدم پذیرش مشارکت زنان در بازار کار منجر شوند.

● **موانع ساختاری و خلأ قانونی:** این موانع شامل نبود زیرساخت‌های مناسب، قوانین ناعادلانه و عدم حمایت‌های قانونی از حقوق زنان در بازار کار هستند.

در پژوهشی دیگر توسط زعفرانچی (۱۴۰۰) که به ارائه الگوی مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار با تمرکز بر ویژگی‌های فردی و خصوصیات خانوار نتایج حاکی از آن می‌باشد که اصلی‌ترین عامل مؤثر بر افزایش احتمال مشارکت اقتصادی زنان متأهل مربوط به دارا بودن تحصیلات دانشگاهی و درآمد است.

همچنین، غفاری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش انواع سرمایه در مشارکت اقتصادی زنان: مطالعه تطبیقی کشورهای اتحادیه اروپا و خاورمیانه» به این نتایج دست یافتند که سرمایه، ظرفیت و پتانسیل مثبتی است که کنش‌های اقتصادی شهروندان را تسهیل می‌کند. از این‌رو، شرایط خوب نهادی، مادی و اجتماعی می‌تواند مشارکت اقتصادی را تسهیل نماید. از سویی دیگر، جوامعی که در آن‌ها انواع سرمایه به‌وفور هست، نابرابری جنسیتی از جمله دسترسی به انواع سرمایه حداقل است. علاوه بر این موارد در پژوهش‌های خارجی نتایج مطالعه بلاسابرمینان^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در فراتحلیل توانمندسازی اقتصادی زنان در توسعه انسانی در کشورهای با درآمد کم و متوسط نشان داده است که توانمندسازی اقتصادی به‌طور قابل توجهی بر توسعه انسانی تأثیر می‌گذارد و تغییر هنجارهای اجتماعی برای ارتقای مؤثر در اهداف توسعه پایدار ضروری است.

در پژوهشی دیگر توسط الدارگو^۲ و همکاران (۲۰۲۳) با عنوان «تصمیمات مشارکت زنان در کسب‌وکار خرد و تأثیر آن‌ها بر فقر در منطقه وولایتا، جنوب اتیوپی»، نتایج حاکی از آن است که مشارکت زنان در کسب‌وکارهای خرد ثبت‌شده نسبت به مشارکت زنان در کسب‌وکارهای خرد ثبت‌نشده، تأثیر بیشتری بر هزینه‌های غذایی، غیرغذایی و کلی مصرف‌کننده آن‌ها دارد که به کاهش فقر کمک می‌کند.

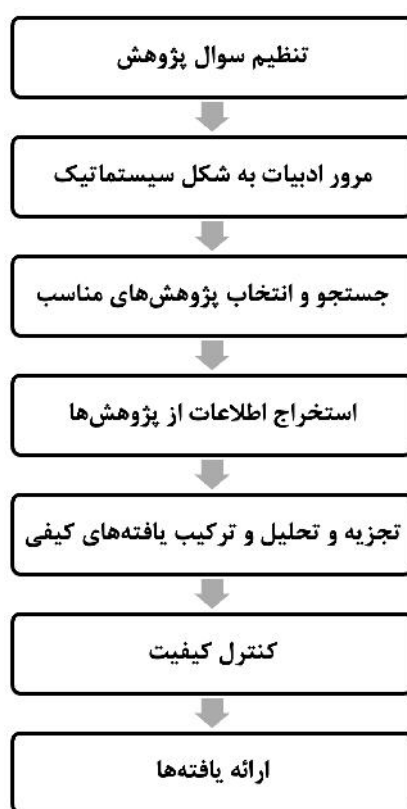
همچنین، وریک (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای در حال توسعه» به این نتایج دست یافته است که عواملی همچون هنجارهای فرهنگی، سطح تحصیلات و کمبود فرصت‌های شغلی در این مشارکت اقتصادی زنان تأثیر بیشتری دارد. او مداخلات سیاسی

1. Balasubramanian
2. Elda Ergo

مانند بهبود دسترسی به آموزش و ایجاد مشاغل انعطاف پذیر برای تقویت مشارکت اقتصادی زنان را پیشنهاد می دهد.

۳. روش شناسی پژوهش

فرامطالعه یکی از روش هایی است که به منظور بررسی، ترکیب و تحلیل مطالعات گذشته مورد استفاده قرار می گیرد. فراترکیب به عنوان مشهورترین حوزه فرامطالعه به طور ویژه بر مطالعات کیفی پیشین تمرکز دارد (فرهاد و همکاران، ۱۳۹۸). هدف از انجام این مطالعه شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان است، به همین منظور به دلیل فقدان تبیینی روشن و دقیق در خصوص این مطالعه از روش کیفی با رویکرد فراترکیب و بهره مندی از الگوی سندلوسکی و باروسو^۱ (۲۰۰۷) برای شناسایی ابعاد و مؤلفه ها استفاده شده است؛ بنابراین این مطالعه از نظر هدف کاربردی - توسعه ای و از نظر ماهیت داده ها اکتشافی است. روش فراترکیب یکی از روش های پژوهش کیفی است که برای ترکیب، تحلیل و تفسیر یافته های مطالعات کیفی پیشین در یک حوزه خاص استفاده می شود. این روش به محققان اجازه می دهد تا دیدگاهی جامع و عمیق نسبت به موضوع مورد مطالعه به دست آورند. در ادامه، مراحل اصلی روش فراترکیب شرح داده می شود:



شکل ۲. الگوی هفت مرحله ای سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷)

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. تنظیم سؤال پژوهش

در این مرحله، محقق باید سؤال اصلی تحقیق را به دقت تعریف کند. سؤال باید به اندازه کافی خاص باشد تا جستجوی ادبیات را هدایت کند، اما نه آن قدر محدود که مانع از کشف یافته‌های مرتبط شود. سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) تأکید می‌کنند که سؤال پژوهش باید شامل جامعه مورد مطالعه، زمینه و پدیده مورد علاقه باشد.

جدول ۱. تعریف پرسش اصلی پژوهش

مؤلفه‌ها	تنظیم پرسش
چه چیزی؟ (پرسش مورد مطالعه)	شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مشارکت اقتصادی زنان
چه کسی؟ (جامعه مورد مطالعه)	چندین پایگاه داده معتبر مورد بررسی قرار گرفته است
چه وقت؟ (محدودیت زمانی)	مقالات انگلیسی در بازه ۲۰۱۰ الی ۲۰۲۳ میلادی مقالات فارسی در بازه ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۳ شمسی
چگونگی؟ (روش گردآوری اطلاعات)	تحلیل اسنادی

۴-۲. جستجوی نظام‌مند ادبیات

این مرحله شامل جستجوی گسترده و سیستماتیک در پایگاه‌های داده علمی است. بوث و همکاران (۲۰۱۶) پیشنهاد می‌کنند که از استراتژی‌های جستجوی پیشرفته مانند استفاده از عملگرهای بولی و جستجوی زنجیره‌ای استفاده شود. همچنین، جستجو باید شامل منابع خاکستری مانند پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های منتشر نشده، نیز باشد.

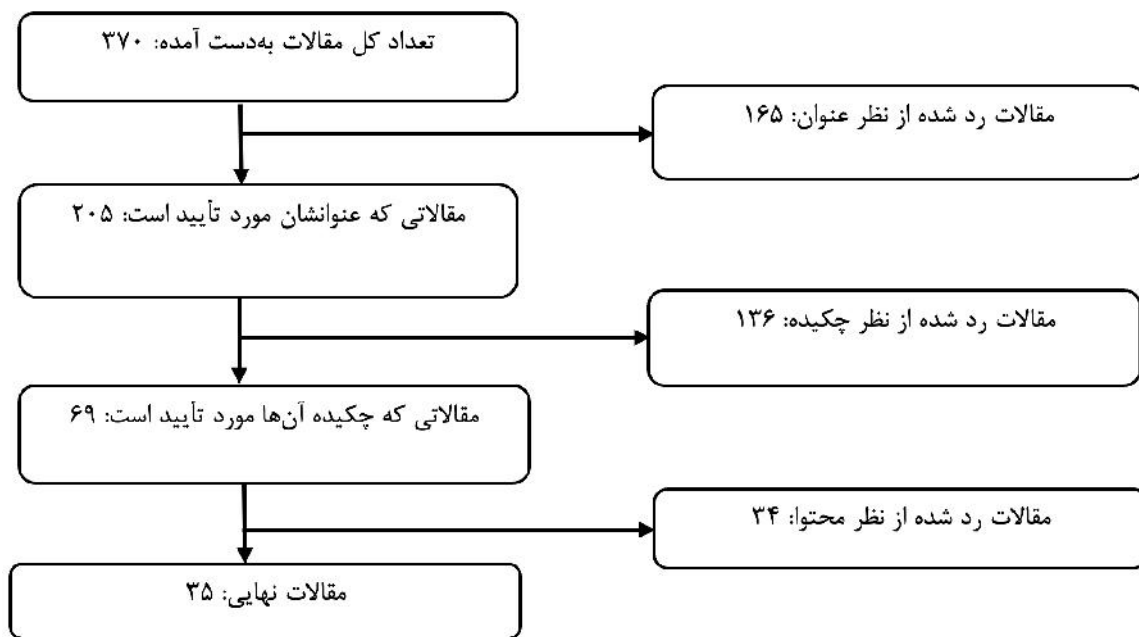
جدول ۲. واژه‌های کلیدی پژوهش

واژه‌های کلیدی فارسی	واژه‌های کلیدی لاتین
مشارکت اقتصادی زنان	Economic participation of women
رشد اقتصادی	Economic growth
توانمندسازی زنان	Empowering women
اشتغال‌زایی زنان	Employment of women
کارآفرینی زنان	Entrepreneurship of women

۳-۴. غربالگری و انتخاب مطالعات مناسب

در این مرحله، مطالعات یافت شده بر اساس معیارهای ورود و خروج ارزیابی می‌شوند. فینفگلد-کانت (۲۰۱۸) توصیه می‌کند که این فرآیند توسط حداقل دو محقق مستقل انجام شود تا از دقت و جامعیت اطمینان حاصل شود. معیارهای ارزیابی می‌تواند شامل کیفیت روش‌شناختی، ارتباط با سؤال پژوهش و زمان انتشار باشد.

در این گام، مقالات بارها مورد بازبینی قرار می‌گیرند و در هر مرحله، آن‌هایی که مناسب نبوده و با موضوع همخوانی ندارند از فرآیند کنار گذاشته می‌شوند. بازبینی مقالات در این مرحله با بررسی پارامترهای مختلفی مانند عنوان، چکیده، محتوا و متن مقالات انجام می‌گیرد. ابتدا عنوان مقالات بررسی شده و آن‌هایی که با هدف و سؤال پژوهش همخوانی ندارند، حذف می‌شوند. سپس چکیده مقالات باقی‌مانده از مرحله قبل بررسی شده و مجدد تعدادی مقاله نامرتب حذف می‌شوند. در نهایت نیز مقالات باقی‌مانده بر اساس محتوا یا کل متن بررسی شده و با حذف مقالاتی که تناسبی با موضوع ندارند، مقالات نهایی استخراج می‌شوند. این مقالات وارد گام بعدی فراترکیب خواهند شد و باید کیفیت روش‌شناختی آن‌ها بررسی شود. در شکل (۳) خلاصه‌ی فرایند غربال مقالات را مشاهده می‌کنید.



شکل ۳. خلاصه‌ای از فرایند غربال مقالات (یافته‌های تحقیق)

۴-۴. ارزیابی کیفی مطالعات

ارزیابی کیفیت مطالعات به منظور جلوگیری از ورود مقالات ضعیف و در نهایت رسیدن به نتایج مناسب،

بسیار مهم است. در روش فراترکیب برای تعیین دقت و اعتبار مقالات بعد از بررسی متن کامل مقالات، می توان از ابزار کسپ (برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی) استفاده کرد (غفاری آشتیانی و غیاث‌آبادی فراهانی، ۱۴۰۳). بر اساس این آزمون، مقالات در پژوهش حاضر به لحاظ درجه کیفی به سه دسته بالا، متوسط و پایین تقسیم می شوند. در نهایت تنها مقالات با درجه کیفی متوسط به بالا انتخاب خواهند شد.

۴-۵. استخراج اطلاعات

این مطالعه با استفاده از روش فراترکیب، شواهد تجربی از ۳۵ مقاله پژوهشی منتشرشده در مجلات معتبر داخلی و خارجی در ۳۰ سال گذشته را بررسی کرده است. مفاهیم کلیدی شامل مشارکت اقتصادی زنان، تولید ناخالص داخلی، فقر، سلامت و آموزش کودکان و دمکراسی بودند. متغیرهای تعدیل کننده شامل سطح توسعه اقتصادی، سیاست‌های حمایتی و فرهنگ جامعه در نظر گرفته شدند. از آنالیز انباشتگی داده‌ها برای برآورد اندازه اثر و بررسی همبستگی بین متغیرها استفاده شد.

جدول ۳. استخراج اطلاعات از مقالات

ردیف	نویسنده/سال	عنوان	نتایج / مؤلفه‌ها
۱	مطیع حق شناس (۱۴۰۳)	عوامل و بسترهای پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان ایران	چالش‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیت‌شناختی: ساختار جمعیت بر بازار کار، افزایش تقاضا برای ایجاد فرصت تحصیل در سطوح عالی و افزایش تقاضای دانش‌آموختگان دانشگاهی برای ورود به بازار کار، ایجاد دوگانگی بین نظام آموزش و بازار کار زنان، روشن نبودن رابطه کار و باروری، جداسازی مشاغل، محدودیت تنوع شغلی و فرصت‌های ارتقای شغلی برای زنان در سطوح بالای مدیریتی. عوامل و بسترهای پایین بودن نرخ مشارکت زنان در کشور: نقش تعیین کننده ساختار جمعیت بر بازار کار و اشتغال، عدم تعادل بین نظام آموزش عالی و اشتغال رسمی زنان و نیز مسائل ساختاری.
۲	میرحسینی و عباسپور (۱۴۰۲)	شناسایی موانع و عوامل بازدارنده مشارکت زنان در اقتصاد و توسعه	علل امتناع و عدم مشارکت زنان در رشد اقتصادی در قالب سه مقوله اصلی است: بازدارنده‌های فردی و خانوادگی (فقدان خودباوری در زنان و موانع خانوادگی و نهادینه شدن تقسیم کار جنسیتی)؛ موانع فرهنگی اجتماعی (سیطره نگاه‌های عرفی و مردسالار و عدم پذیرش نان‌آوری زن)؛ موانع ساختاری و خلأ قانونی (فقدان نگاه جامع و سیستمی به مشارکت اقتصادی زنان، مردانه بودن ساحت تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران و عدم مسئله‌مندی مشارکت اقتصادی زنان در سیاست‌گذاری).

ردیف	نویسنده/سال	عنوان	نتایج / مؤلفه‌ها
۳	موحدی و پویا (۱۴۰۲)	راهکارهای توسعه مشاغل خانگی زنان با تأکید بر یک محله آسیب‌پذیر شهر همدان	مشاغل مناسب برای افراد آسیب‌دیده و زنان سرپرست خانوار: مشاغل مرتبط با صنایع دستی (دوزندگی، فرش‌بافی و طراحی)؛ مشاغل مرتبط با صنایع خوراکی (بسته‌بندی خشکبار و ادویه‌جات در منزل، تهیه غذا در منزل، تهیه مواد اولیه خوراکی)؛ و مشاغل خدماتی (آرایشگری در منزل، خیاطی، تولید جعبه‌های مقوایی تزئینی و کادویی). راهکارهای ایجاد شغل‌های خانگی برای افراد آسیب‌دیده و زنان سرپرست خانوار: بازاریابی، تبلیغ و فروش محصولات و تولیدات خانگی، حمایت‌های دولتی و مالی، برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌آموزی، ارتباطات، شبکه‌سازی و تعاملات، فرهنگ‌سازی و توانمندسازی از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی و حمایت قانونی و حقوقی.
۴	میرحسینی و خسروی دهقی (۱۴۰۲)	تحلیل مضمون اسناد بالادستی و سیاست‌های مرتبط با مشارکت زنان در اقتصاد	اسناد بالادستی و سیاست‌های مرتبط با مشارکت زنان در اقتصاد: مضمون اول (مشارکت زنان در ذیل قوانین و سیاست‌های همه‌شمول: تأمین حقوق انسانی و گسترش عدالت اجتماعی)؛ و مضمون دوم (مشارکت زنان در قوانین و سیاست‌های مختص به آن‌ها: فراهم‌نمودن امکان مشارکت اقتصادی زنان، حمایت از تداوم مشارکت و تقویت جایگاه زنان و رفع موانع مشارکت اقتصادی).
۵	آقایی و همکاران (۱۴۰۲)	مطالعه تطبیقی سیاست‌های حوزه اشتغال زنان در دو کشور اسکانديناوی (سوئد و نروژ) و دو کشور مسلمان (ایران و ترکیه)	تحصیلات، عدم شکاف جنسیتی، خانواده.
۶	زعفرانی (۱۴۰۰)	بررسی الگوی مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار با تمرکز بر ویژگی‌های فردی و خصوصیات خانوار	دارا بودن تحصیلات دانشگاهی، وضعیت تأهل، ویژگی‌های اقتصادی خانوار از جمله دسترسی به درآمدهای غیر کاری شوهران، مالکیت منزل مسکونی به‌عنوان دو عامل مؤثر بر منابع درآمدی و هزینه‌ای در خانوار بر کاهش احتمال مشارکت بازاری زنان متأهل تأثیرگذار است.

ردیف	نویسنده/سال	عنوان	نتایج / مؤلفه‌ها
۷	دلداده آرانی و داوودی (۱۴۰۰)	شناسایی چالش‌های پیش روی زنان شاغل در حوزه صنعت؛ مطالعه موردی زنان شاغل در شهرک‌های صنعتی شهرستان آران و بیدگل	موانع فردی (عدم رضایت از شغل، مشکلات روانی)؛ موانع خانوادگی (ارتباط با همسر، ارتباط با فرزندان، ارتباط با اطرافیان)؛ موانع اجتماعی (مشکلات آموزشی، مشکلات محیط کار، مشکلات محیط جامعه).
۸	زریه و همکاران (۱۳۹۹)	طراحی الگوی بومی مدیریت توسعه کارآفرینی زنان ایران در امور بانوان شهرداری تهران	عوامل فردی و شخصیتی: عکس‌العمل مثبت نسبت به مشکلات. عوامل اقتصادی/مالی: پس‌اندازهای شخصی. عوامل فرهنگی و اجتماعی: وجود احساس تفاهم اجتماعی، میزان شناخت به عملکرد کارآفرینان موفق. عوامل سیاسی و اداری: میزان توانمندسازی، میزان مشارکت در کار.
۹	عباسی اسفنجیر و رضایی روشن (۱۳۹۹)	بررسی تأثیر اشتغال زنان بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب خاورمیانه	در این پژوهش تأثیر اشتغال زنان بر رشد اقتصادی را مطالعه شده است. در این راستا آمارهای مربوط به اشتغال زنان که شامل فعالیت زنان در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات و همچنین رشد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی سرانه) که از بانک جهانی گرفته شده است با استفاده از روش اثرات ثابت داده‌های تابلویی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.
۱۰	رستمعلی‌زاده و رضاییان قراگوزلو (۱۳۹۸)	عوامل بازدارنده مشارکت اقتصادی زنان از سوی خانواده در جامعه محلی مطالعه روستای بهده شهرستان پارسیان	مؤلفه‌های تأثیرگذار در مشارکت اقتصادی زنان: ارزش‌ها و نگرش‌ها (تفاسیری که زنان از سنت‌ها دارند)، باورها و اعتقادات (باور به برتری و سرپرستی مردان)، کلیشه‌های جنسیتی (تفکیک فضای عمومی و خصوصی، زنانه و مردانه)، نوع مالکیت و اختیارات (تصمیم‌گیری در خصوص درآمد و هزینه‌ها و مالکیت بر دارایی‌ها) و نوع تصمیم‌گیری و انتخاب (انتخاب شغل، مهاجرت، ازدواج و طلاق).
۱۱	غفاری و همکاران (۱۳۹۸)	نقش انواع سرمایه در مشارکت اقتصادی زنان: مطالعه تطبیقی کشورهای اتحادیه اروپا و خاورمیانه	سرمایه، ظرفیت و پتانسیل مثبت، شرایط خوب نهادی، مادی و اجتماعی، کاهش نابرابری‌های جنسیتی، دسترسی به انواع سرمایه حداقل، رونق انواع سرمایه و کاهش نابرابری جنسیتی.

ردیف	نویسنده/سال	عنوان	نتایج / مؤلفه‌ها
۱۲	احمدی و همکاران (۱۳۹۸)	فرا تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی	توجه هم‌زمان به عوامل فردی: نیروی انسانی خالق، حمایت‌های مالی و اقتصادی از زنان روستایی، عوامل فرهنگی و آموزشی و ارتقاء زیرساخت‌های محیطی در روستاهای کشور.
۱۳	مقدم و مؤمنی راد (۱۳۹۷)	ارائه شاخص‌های الگوی مطلوب اشتغال بانوان بر اساس تجربه صدر اسلام	الگوی مطلوب اشتغال زنان: مدیریت حداکثری وقت بانوان بر حرفه خویش، عدم اختلاط با مردان، تناسب با ویژگی‌های جسمی و روحی زنان، محدود نکردن بانوان در شغل‌های به ظاهر مردانه، در نظر گرفتن مصالح جامعه، به رسمیت شناختن حق کسب درآمد بانوان. توصیه‌های سیاستی اشتغال زنان: فراهم کردن زمینه اشتغال در کارهای نیمه‌وقت، پاره‌وقت یا دورکاری، توسعه آموزش بانوان، حمایت از زنان در بخش دولتی، هدفمند کردن تسهیلات اشتغال بانوان، حمایت از مشاغل خانگی و پیش‌بینی تمهیداتی برای زنان خانه‌دار، ایجاد محیط‌های شغلی زنانه و توسعه شغل‌های مختص بانوان و محدود کردن مردان در آن مشاغل.
۱۴	مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)	واکاوی مشارکت زنان در ایران	موانع: توازن جنسیتی، دستمزدهای اندک زنان، وابستگی سیاسی ناشی از سلطه مردان بر ساختارهای قدرت سیاسی، وابستگی به اقتدار بیشتر مردان، قدرت تصمیم‌گیری مردان در خانواده و محل کار، وابستگی به مردان در مراقبت زنان در برابر خشونت. عوامل مؤثر در مشارکت اقتصادی زنان: قدرت سیاسی زنان، آموزش زنان، تعادل و توازن قدرت، سلامت زنان. نگرش در زمینه سلامت زنان: باروری، توجه به ابعاد فیزیکی، روانی و اجتماعی. توجه به مسائل زنان در پژوهش‌های کاربردی: شیوه ارائه خدمات موردنیاز به زنان، فرهنگ‌سازی، توانمندسازی، آموزش و پرورش: جنبش‌های سوادآموزی، ساخت مدارس، بازاریابی آموزشی، افزایش شبکه‌های اطلاعاتی و دانشی در باب فقرزدایی با نگاه زنان. حمایت از شرکت‌های تعاونی تولیدی زنان: حمایت از تولیدات خانگی، حمایت از صنایع دستی و کوچک.
۱۵	کریمی و همکاران (۱۳۹۵)	جایگاه زنان در بازار کار کشورهای در حال توسعه مسلمان و غیرمسلمان (۲۰۱۰-۱۹۹۵)	عوامل مؤثر در مشارکت کمتر زنان: دستمزدهای پایین‌تر برای زنان (کاهش در میزان کالاهای قابل تجارت)، درآمد کسب نشده بیشتر زنان (دستمزدهای بیشتر برای مردان و افزایش دریافت و پرداخت‌های دولتی)، نفوذ سیاسی کمتر زنان.

ردیف	نویسنده/سال	عنوان	نتایج / مؤلفه‌ها
۱۶	جلیلیان و سعدی (۱۳۹۵)	نقش توانمندسازی زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوارهای روستایی	توانمندی اقتصادی: سن، میزان تحصیلات، شغل همسر و نوع کسب‌وکار خانگی.
۱۷	غفاری و همکاران (۱۳۹۱)	مشارکت اجتماعی زنان و تأثیر آن بر رفاه خانواده (مطالعه موردی: منطقه ۹ شهر تهران)	مشارکت (مذهبی، خیریه‌ای، انجمنی، محلی، سیاسی و اقتصادی) تنها متغیرهای مشارکت محلی و خیریه‌ای بودند که رابطه معناداری با رفاه اجتماعی خانواده داشتند و بر اساس یافته‌های تحقیق، هر چه مشارکت محلی و خیریه‌ای زنان بیشتر، رفاه اجتماعی خانواده آنان بالاتر خواهد رفت.
۱۸	آراستی (۱۳۸۵)	زنان کارآفرین ایرانی؛ ساختارهای فرهنگی-اجتماعی مؤثر در ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه	عوامل فرهنگی - اجتماعی: نگرش موافق اطرافیان به زن کارآفرین، ارزش‌ها و باورهای جامعه، وجود الگوی نقش در اطرافیان، برقراری تعادل بین خانواده و کار، آموزش و محرک‌های محیطی.
۱۹	بلاسابرمیان ^۱ و همکاران (۲۰۲۴)	آیا توانمندسازی اقتصادی زنان باعث توسعه انسانی در کشورهای با درآمد کم و متوسط می‌شود؟ یک متاآنالیز	فرصت‌های تولید درآمد، حمایت از فعالیت‌های کشاورزی و کارآفرینی، گسترش دسترسی مالی و ترویج مشارکت زنان در نیروی کار، توسعه انسانی، تغییر هنجارهای اجتماعی.
۲۰	گلتکین ^۲ و همکاران (۲۰۲۴)	توانمندسازی زنان پناهنده و محلی از طریق تعاونی‌های اجتماعی: یک داستان موفقیت ناتمام در جنوب ترکیه	تعاونی اجتماعی از طریق اشتغال و درآمدزایی، آموزش مهارتی زنان، افزایش قدرت تصمیم‌گیری، استقلال، عزت‌نفس و احترام، ایجاد اعتماد و صلح، همبستگی، اشتراک دانش و اقدام جمعی، انسجام اجتماعی بین اعضای محلی و پناهنده، تعاونی در مدیریت مدل‌های کسب‌وکار پایدار، عضویت در تعاونی‌ها، درآمد ثابت، امنیت اجتماعی، استقلال اقتصادی، تقسیم عادلانه‌تر کار خانگی.

1. Balasubramanian
2. Gultekin

ردیف	نویسنده/سال	عنوان	نتایج / مؤلفه‌ها
۲۱	البونین ^۱ (۲۰۲۳)	کارآفرینی زنان در شورای همکاری خلیج فارس: تحلیل ادبیات از منظر فرهنگی-اجتماعی	عوامل تأثیرگذار بر تجارب کارآفرینی زنان: جنسیت، تأثیر خانواده، شبکه‌های اجتماعی و مذهب. هنجارهای اجتماعی رایج در منطقه، حمایت خانواده (فقدان آن) و دسترسی به فرصت‌های شبکه‌ای برای شروع و رشد سرمایه‌گذاری‌ها.
۲۲	الدا ارگو ^۲ و همکاران (۲۰۲۳)	تصمیمات مشارکت زنان در کسب‌وکار خرد و تأثیر آن‌ها بر فقر در منطقه وولایتا، جنوب اتیوپی	سودمندتری بر هزینه‌های غذایی، غیرغذایی و کلی مصرف‌کننده، مشارکت کلی زنان در کسب‌وکارهای خرد، قدرت تصمیم‌گیری سیاسی، آموزش، تحصیلات.
۲۳	صدرنبوی و دانشور (۲۰۲۲)	تجارب زیسته زنان کارآفرین موفق در ایران: یک مطالعه پدیدارشناختی فمینیستی	موانع اجتماعی: مردسالاری گسترده، تقسیم‌کار جنسیتی در جامعه و فرآیندهای پیچیده بوروکراتیک، چرخه استراتژیک ناشی از تعامل، اتکا به شبکه‌های اجتماعی درهم‌تنیده، کارآفرینی اجتماعی، تشکیل تدریجی سرمایه اجتماعی و تکیه به پتانسیل‌های محلی.
۲۴	بهارتی ^۳ (۲۰۲۱)	نقش تعاونی‌ها در توانمندسازی اقتصادی زنان: مروری بر تجربیات هند	توانمندسازی زنان، تعاونی‌ها با سازمان‌دهی، تأمین آزادی مالی از طریق افزایش معیشت زنان، استقلال اقتصادی از طریق تعاونی‌ها.
۲۵	کرن ^۴ (۲۰۲۱)	کارآفرینی و رشد اقتصادی: آیا جنسیت اهمیت دارد؟	در تحلیل‌های ناپارامتریک، شرکت‌های کارآفرین متعلق به زنان در کشورهای توسعه‌یافته عملکرد مشابهی با شرکت‌های متعلق به مردان دارند، درحالی‌که در کشورهای درحال توسعه، شرکت‌های دارای مالکیت مرد به‌طور قابل‌توجهی از شرکت‌های متعلق به زنان بهتر عمل می‌کنند. همچنین شواهد نشان می‌دهد جنسیت کارآفرین شومپیتری در سهم رشد اقتصادی اهمیتی ندارد.

1. Al Boinin
2. Elda Ergo
3. Bharti
4. Crane

ردیف	نویسنده/سال	عنوان	نتایج / مؤلفه‌ها
۲۶	ساوا ^۱ (۲۰۲۱)	اثرات مشارکت جنسیتی بر توانمندسازی زنان در الدورت - کنیا	وام‌های صندوق توسعه و سرمایه‌گذاری زنان، نیاز به تشویق گروه‌های آسیب‌پذیر برای مشارکت در توسعه اقتصادی و زنان کارآفرین.
۲۷	بنرجی ^۲ و همکاران (۲۰۲۰)	عوامل تعیین‌کننده توانمندسازی زنان با سنجش تصمیم‌گیری داخلی: چشم‌اندازی از اقتصاد در حال توسعه	منبع درآمد، سطح تحصیلات بالاتر، آگاهی از حقوق قانونی، سطح تحصیلات بالاتر مادرزن، داشتن دارایی به نام خود، آزادی تردد بیشتر در دوران تحصیل، داشتن عزت‌نفس بالا و پیشینه خانوادگی نسبتاً مرفه، قدرت خانه‌سازی زنان.
۲۸	گلزارد (۲۰۱۹)	توانمندسازی اقتصادی زنان ایرانی از طریق اینترنت	توانمندسازی، مشارکت در اشکال جدید کسب‌وکار آنلاین، فناوری برای تبلیغات آنلاین، جذب مشتریان، برقراری ارتباط تجاری با هم‌تایان، مدیریت مثبت خانواده‌ها.
۲۹	لنکا و آگاروال ^۳ (۲۰۱۷)	نقش زنان کارآفرین و سازمان‌های غیردولتی در ترویج کارآفرینی: مطالعات موردی از اوتاراکنند، هند	یادگیری کارآفرینانه: عوامل انگیزشی شخصی، اجتماعی و محیطی، رشد شایستگی‌های فردی، اجتماعی، مدیریتی و کارآفرینی.
۳۰	وریک ^۴ (۲۰۱۴)	مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای در حال توسعه	عوامل مشارکت کم نیروی کار زنان در کشورهای در حال توسعه: هنجارهای فرهنگی، سطح تحصیلات و کمبود فرصت‌های شغلی، مداخلات سیاسی (بهبود دسترسی به آموزش، ایجاد مشاغل انعطاف‌پذیر برای تقویت مشارکت اقتصادی زنان).
۳۱	خان و خان ^۵ (۲۰۰۹)	مشارکت نیروی کار زنان متأهل در پنجاب (پاکستان)	سن زنان، زنان به‌عنوان سرپرست خانوار، تحصیلات زنان، فقر خانوار، تعداد اعضای خانواده، تعداد دختر (۵-۱۵ سال)، تعداد دختران بالای ۱۵ سال، بیکاری، درآمد کم همسر و سکونت، مشارکت نیروی کار زنان متأهل، مالکیت دارایی خانوار، درآمد سرانه خانوار، خانواده هسته‌ای، فقر.

1. Sawe
2. Banerjee
3. Lenka & Agarwal
4. Verick
5. Khan & Khan

ردیف	نویسنده/سال	عنوان	نتایج / مؤلفه‌ها
۳۲	نتولی ^۱ (۲۰۰۷)	عوامل تعیین‌کننده مشارکت زنان در نیروی کار آفریقای جنوبی	آموزش زنان، درآمد غیر کارگری، ازدواج، باروری و تنوع جغرافیایی.
۳۳	کبیر ^۲ (۲۰۰۵)	برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان: تحلیل انتقادی از هدف توسعه هزاره سوم	برابری جنسیتی، مشارکت اقتصادی، حقوق مالکیت و نمایندگی سیاسی.
۳۴	آل غنم ^۳ (۲۰۰۲)	بررسی تحلیلی مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی در جوامع عربی	عوامل اجتماعی، آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی، خانواده، نرخ باروری، بی‌سوادی و جمعیت، افزایش فرصت‌های شغلی و فناوری‌ها.
۳۵	فولبر ^۴ (۱۹۹۴)	چه کسی بهای مراقبت از بچه‌ها را می‌دهد؟ جنسیت و ساختارهای محدودیت اقتصاد برای قرن جدید	جنسیت، سن، برابری جنسیتی، کاهش دستمزدها و فرصت‌های شغلی محدود برای زنان.

۴-۶. تحلیل و ترکیب یافته‌ها

این مرحله شامل تجزیه و تحلیل عمیق داده‌های استخراج‌شده است که تحلیل داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شده است (غیاث‌آبادی فراهانی و همکاران، ۱۴۰۱). از آنجایی که در این قسمت برای تحلیل و ترکیب از روش گلیزری استفاده گردیده است و این روش، یکی از روش‌های تحلیل مطالعات کیفی است، با توجه به این نوع تحلیل به تفسیر داده‌ها پرداخته شده است. به همین منظور در کدگذاری محوری کدهای مرتبط باهم در یک دسته قرار گرفته و سپس کد انتخابی مرتبط با هر دسته تعیین شده است. لذا در جدول ۳، عوامل مذکور مبتنی بر رویکرد فراترکیب ادبیات موجود، به تفکیک پژوهش‌های نویسندگان مختلف آورده شده است.

1. Ntuli
2. Kabeer
3. El-Ghannam
4. Folbre

جدول ۴. تحلیل و ترکیب کدها

منابع	فراوانی کدها	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
آل غنم (۲۰۰۲)، خان و خان (۲۰۰۹)، وریک (۲۰۱۴)، الدارگو و همکاران (۲۰۲۳)، جلیلیان و سعدی (۱۳۹۵)، مطیع حق‌شناس (۱۴۰۳)، آقایی و همکاران (۱۴۰۲)، زعفرانی (۱۴۰۰)، رستمعلی‌زاده و رضاییان قراگوزلو (۱۳۹۸)،	۹	تحصیلات	عوامل فردی
خان و خان (۲۰۰۹)، البونین (۲۰۲۳)، آقایی و همکاران (۱۴۰۲)، دل‌داده آرنی و داوودی (۱۴۰۰)، رستمعلی‌زاده و رضاییان قراگوزلو (۱۳۹۸)،	۵	خانواده	
البونین (۲۰۲۳)، غفاری و همکاران (۱۳۹۱)	۲	مذهب	
نتولی (۲۰۰۷)، زعفرانی (۱۴۰۰)	۲	وضعیت تأهل	
خان و خان (۲۰۰۹)، زعفرانی (۱۴۰۰)	۲	نوع مالکیت منزل مسکونی	
لنکا و آگراول (۲۰۱۷)، غفاری و همکاران (۱۳۹۱)، دل‌داده آرنی و داوودی (۱۴۰۰)، زریه و همکاران (۱۳۹۹)،	۴	انگیزه شخصی	
نتولی (۲۰۰۷)، خان و خان (۲۰۰۹)، جلیلیان و سعدی (۱۳۹۵)، کریمی و همکاران (۱۳۹۵)،	۴	درآمد	
فولبر (۱۹۹۴)، خان و خان (۲۰۰۹)، جلیلیان و سعدی (۱۳۹۵)	۳	سن	
خان و خان (۲۰۰۹)، مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)	۲	فقر و بیکاری	
فولبر (۱۹۹۴)، آل غنم (۲۰۰۲)، وریک (۲۰۱۴)، البونین (۲۰۲۳)، مطیع حق‌شناس (۱۴۰۳)،	۵	ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان	
فولبر (۱۹۹۴)، کبیر (۲۰۰۵)، مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)، میرحسینی و عباسپور (۱۴۰۲)، آقایی و همکاران (۱۴۰۲)، رستمعلی‌زاده و رضاییان قراگوزلو (۱۳۹۸)، غفاری و همکاران (۱۳۹۸)، احمدی و همکاران (۱۳۹۸).	۸	توازن جنسیتی	
آراستی (۱۳۸۵)،	۱	نگرش موافق اطرافیان زنان کارآفرین	
گل‌تکین و همکاران (۲۰۲۴)،	۱	امنیت اجتماعی	
وریک (۲۰۱۴)،	۱	ایجاد مشاغل انعطاف پذیر برای زنان	
لنکا و آگراول (۲۰۱۷)،	۱	رشد شایستگی‌های فردی	
ساو (۲۰۲۱)،	۱	نیاز به تشویق گروه‌های آسیب پذیر	

الدارگو و همکاران (۲۰۲۳)، گلتکین و همکاران (۲۰۲۴)، جلیلیان و سعدی (۱۳۹۵)، مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)، مقدم و مؤمنی راد (۱۳۹۷)، موحدی و پویا (۱۴۰۲)،	۶	حمایت از کسب و کارهای خانگی زنان	عوامل سیاسی
بلاسا برمنیان و همکاران (۲۰۲۴)، میر حسینی و خسروی دهقی (۱۴۰۲)	۲	ترویج مشارکت زنان در نیروی کار	
مقدم و مؤمنی راد (۱۳۹۷)	۱	به رسمیت شناختن حق کسب درآمد بانوان	
مقدم و مؤمنی راد (۱۳۹۷)، مطیع حق شناس (۱۴۰۳)،	۲	ایجاد محیط های شغلی مناسب زنان	
مقدم و مؤمنی راد (۱۳۹۷)، موحدی و پویا (۱۴۰۲)،	۲	فراهم کردن زمینه اشتغال در کارهای نیمه وقت، پاره وقت و دورکاری	
مقدم و مؤمنی راد (۱۳۹۷)، احمدی و همکاران (۱۳۹۸)	۲	هدفمند کردن تسهیلات اشتغال بانوان	
بهارتی (۲۰۲۱)، مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)، احمدی و همکاران (۱۳۹۸)، موحدی و پویا (۱۴۰۲)، عباسی اسفجیر و رضایی روشن (۱۳۹۹)	۵	حمایت قانونی و حقوقی	
ساو (۲۰۲۱)، بهارتی (۲۰۲۱)، بلاسا برمنیان و همکاران (۲۰۲۴)، احمدی و همکاران (۱۳۹۸)	۴	اعطای وام های اشتغال زایی زنان	
فولبر (۱۹۹۴)، بهارتی (۲۰۲۱)، کریمی و همکاران (۱۳۹۵)،	۳	توجه به دستمزدهای کاری زنان	
کبیر (۲۰۰۵)، وریک (۲۰۱۴)، الدارگو و همکاران (۲۰۲۳)، گلتکین و همکاران (۲۰۲۴)، غفاری و همکاران (۱۳۹۱)، مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)، کریمی و همکاران (۱۳۹۵)،	۷	توجه به زنان در تصمیم گیری های سیاسی	
لنکا و آگراول (۲۰۱۷)، صدرنبوی و دانشور (۲۰۲۲)، البونین (۲۰۲۳)	۳	ایجاد بسترهای کافی برای کارآفرینی زنان	

مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)،	۱	توجه به سلامت زنان	عوامل فرهنگی
آل غنم (۲۰۰۲)، مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)، مطیع حق‌شناس (۱۴۰۳)، میرحسینی و عباسپور (۱۴۰۲)	۴	باروری زنان	
مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)	۱	شیوه ارائه خدمات موردنیاز به زنان	
آراستی (۱۳۸۵)، میرحسینی و عباسپور (۱۴۰۲)	۲	ارزش‌ها و باورهای جامعه	
مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)، میرحسینی و عباسپور (۱۴۰۲)	۲	نگرش خانواده به اشتغال زنان	
وریک (۲۰۱۴)، بلاسابرمیان و همکاران (۲۰۲۴)،	۲	تغییر هنجارهای فرهنگی	
نتولی (۲۰۰۷)،	۱	موقعیت و فرهنگی جغرافیایی	
آل غنم (۲۰۰۲)، گلزارد (۲۰۱۹)، صدرنبوی و دانشور (۲۰۲۲)	۳	دانش مهارت‌های فناورانه	
نتولی (۲۰۰۷)، الدارگو و همکاران (۲۰۲۳)، آراستی (۱۳۸۵)، مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)، احمدی و همکاران (۱۳۹۸)، موحدی و پویا (۱۴۰۲)،	۶	برگزاری کارگاه‌های آموزشی و مهارت‌آموزی	
آراستی (۱۳۸۵)، زریه و همکاران (۱۳۹۹)،	۲	استفاده از تجارب کارآفرینان موفق زن	
مطیع حق‌شناس (۱۴۰۳)	۲	تعادل بین نظام آموزش عالی و اشتغال رسمی زنان	
وریک (۲۰۱۴)، گلزارد (۲۰۱۹)	۲	بهبود دسترسی به آموزش‌های نوین	

در جدول ۴ یافته‌ها حاکی از شناسایی ۵ کد انتخابی که شامل عوامل فردی، عوامل اجتماعی، عوامل سیاسی، عوامل فرهنگی، عوامل آموزشی و ۳۹ کدمحوری است، همچنین فراوانی هر یک از کدها در جدول ۴ مشخص شده است که برخی از کدهای محوری دارای بالاترین فراوانی هستند که این کدها به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: تحصیلات (۹)، توازن جنسیتی (۸)، توجه به زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی (۷)، حمایت از کسب‌وکارهای خانگی (۶) و برگزاری کارگاه‌های آموزشی (۶).

۴-۷. کنترل کیفیت

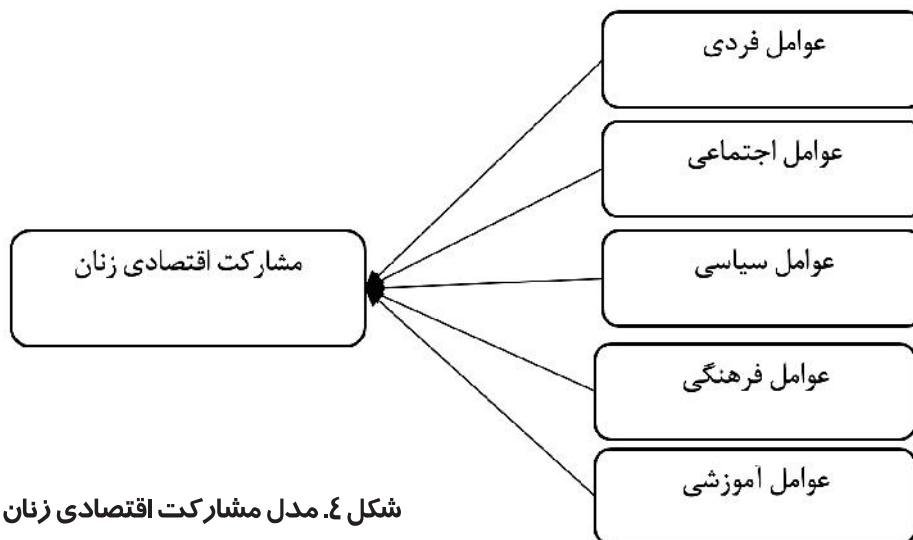
در این مطالعه، محقق برای کنترل کیفیت مفاهیم استخراج‌شده، از مقایسه نظرات خود با خبرگان دیگر بهره برده است. برای دستیابی به این هدف، تعدادی از متن‌های انتخابی در اختیار پنج نفر از خبرگان قرار گرفته است (دو نفر از خبرگان در مقطع دکتری و سه نفر از اساتید). به‌منظور سنجش پایایی چهارچوب طراحی شده از شاخص کاپا استفاده شد. بدین ترتیب که یک شخص دیگر به‌عنوان خبره، بدون اطلاع از نحوه ادغام کدها و مفاهیم ایجادشده توسط محققان، اقدام به کدگذاری و سپس دسته‌بندی کدها در مفاهیم کرده است. کدها و مفاهیم ارائه‌شده توسط محقق با کدها و مفاهیم ارائه‌شده توسط این فرد مقایسه شده است. برای محاسبه ضریب توافق دو کدگذار از ضریب کاپا استفاده شده است. نحوه محاسبه این شاخص به‌صورت رابطه زیر است:

$$k = \frac{\text{توافقات شانسی} - \text{توافقات مشاهده شده}}{\text{توافقات شانسی} - 1}$$

درنهایت باتوجه‌به تعداد کدهای ایجادشده مشابه و کدهای ایجادشده متفاوت، شاخص کاپا محاسبه شده است. مقدار شاخص کاپا برابر با ۰/۶۸۴ محاسبه شده است که نشان‌دهنده تأیید شاخص‌های شناسایی شده است.

۴-۸. ارائه یافته‌ها و مدل

۳۵ مقاله انتخاب‌شده از سوی محقق موردبررسی قرار گرفت و اطلاعات موردنیاز مرتبط با پدیده اصلی پژوهش که مشارکت اقتصادی زنان می‌باشد، شناسایی شد؛ بنابراین با ترکیب یافته‌ها، مدل پژوهش در قالب شکل ۴ ارائه‌شده است:



شکل ۴. مدل مشارکت اقتصادی زنان با استفاده از رویکرد فراترکیب

بدین ترتیب، در این پژوهش بستری فراهم شد که یافته‌های مطالعات مختلف در کنار یکدیگر قرار گرفتند و در قالب الگویی مرحله‌ای ارائه شدند. در واقع، ادعاهای مندرج در مطالعات مختلف تقریباً در راستای یکدیگر بودند و تناقضی با یکدیگر نداشتند؛ به‌نوعی مکمل و پشتیبان یکدیگر نیز بودند. در نتیجه، این انگیزه به وجود آمد که عوامل بسیار مهمی که در ۳۵ مقاله به‌صورت پراکنده به آن‌ها اشاره شده بود (از میان ۵ کد انتخابی و ۳۹ کد محوری شناسایی شده)، در قالب الگویی که نشان دهنده عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان باشد، گنجانده شوند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان با استفاده از رویکرد فراترکیب است. در این پژوهش، ۳۵ مقاله به روش فراترکیب مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت ۵ کد انتخابی عوامل فردی، عوامل اجتماعی، عوامل سیاسی، عوامل فرهنگی، عوامل آموزشی و همچنین ۳۹ کد محوری شناسایی شده است، برخی از این کدها دارای اهمیت بالاتری هستند که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: تحصیلات (۹)، توازن جنسیتی (۸)، توجه به زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی (۷)، حمایت از کسب و کارهای خانگی (۶) و برگزاری کارگاه‌های آموزشی (۶).

در ادامه، کدهای انتخابی و کدهای محوری مرتبط دسته‌بندی و مشخص شده‌اند؛ بنابراین ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان عبارت‌اند از:

عوامل فردی: تحصیلات، خانواده، مذهب، وضعیت تأهل، نوع مالکیت منزل مسکونی، انگیزه شخصی، درآمد، سن، فقر و بیکاری.

عوامل اجتماعی: ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان، توازن جنسیتی، نگرش موافق اطرافیان زنان کارآفرین، امنیت اجتماعی، ایجاد مشاغل انعطاف‌پذیر برای زنان، رشد شایستگی‌های فردی، نیاز به تشویق گروه‌های آسیب‌پذیر.

عوامل سیاسی: حمایت از کسب و کارهای خانگی زنان، ترویج مشارکت زنان در نیروی کار، به رسمیت شناختن حق کسب درآمد بانوان، ایجاد محیط‌های شغلی مناسب زنان، فراهم کردن زمینه اشتغال در کارهای نیمه‌وقت - پاره‌وقت و دورکاری، هدفمند کردن تسهیلات اشتغال بانوان، حمایت قانونی و حقوقی، اعطای وام‌های اشتغال‌زایی زنان، توجه به دستمزدهای کاری زنان، توجه به زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، ایجاد بسترهای کافی برای کارآفرینی زنان.

عوامل فرهنگی: توجه به سلامت زنان، باروری زنان، شیوه ارائه خدمات موردنیاز به زنان، ارزش‌ها و

باورهای جامعه، نگرش خانواده به اشتغال زنان، تغییر هنجارهای فرهنگی، موقعیت و فرهنگی جغرافیایی. **عوامل آموزشی:** دانش مهارت‌های فناورانه، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و مهارت‌آموزی، استفاده از تجارب کارآفرینان موفق زن، تعادل بین نظام آموزش عالی و اشتغال رسمی زنان، بهبود دسترسی به آموزش‌های نوین.

نتایج این یافته‌ها با مطالعات مطیع حق‌شناس (۱۴۰۳)، میرحسینی و عباسپور (۱۴۰۲)، موحدی و پویا (۱۴۰۲)، میرحسینی و خسروی دهقی (۱۴۰۲)، آقایی و همکاران (۱۴۰۲)، زعفرانی (۱۴۰۰)، دلداده آرانی و داوودی (۱۴۰۰)، زریه و همکاران (۱۳۹۹)، عباسی اسفجیر و رضایی روشن (۱۳۹۹)، رستمعلی‌زاده و رضاییان قراگوزلو (۱۳۹۸)، غفاری و همکاران (۱۳۹۸)، احمدی و همکاران (۱۳۹۸)، مقدم و مؤمنی راد (۱۳۹۷)، مدرسی زاده و همکاران (۱۳۹۶)، کریمی و همکاران (۱۳۹۵)، جلیلیان و سعدی (۱۳۹۵)، غفاری و همکاران (۱۳۹۱)، آراستی (۱۳۸۵)، بلاسارمنیان و همکاران (۲۰۲۴)، گلتکین و همکاران (۲۰۲۴)، البونین (۲۰۲۳)، الدارگو و همکاران (۲۰۲۳)، صدرنبوی و دانشور (۲۰۲۲)، بهارتی (۲۰۲۱)، کرن (۲۰۲۱)، ساو (۲۰۲۱)، بنرجی و همکاران (۲۰۲۰)، گلزارد (۲۰۱۹)، لنکا و آگراول (۲۰۱۷)، وریک (۲۰۱۴)، خان و خان (۲۰۰۹)، نتولی (۲۰۰۷)، کبیر (۲۰۰۵)، آل غنم (۲۰۰۲) و فولبر (۱۹۹۴) همسو است.

این مقاله فراترکيب شواهد قوی ارائه می‌کند که مشارکت اقتصادی زنان با بهبود شاخص‌های کلیدی توسعه پایدار رابطه مثبت دارد. یافته‌ها بر اهمیت سیاست‌های حمایتی برای گسترش فرصت‌های شغلی و آموزشی برای زنان، اصلاح قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز و تقویت فرهنگ برابری جنسیتی تأکید می‌کنند. به‌ویژه، در کشورهای در حال توسعه و جوامعی با نگرش برابری جنسیتی قوی‌تر، تأثیر مشارکت اقتصادی زنان بر توسعه پایدار برجسته‌تر است. این نتایج برای سیاست‌گذاران، سازمان‌های بین‌المللی و فعالان حقوق زنان در طراحی و اجرای استراتژی‌ها برای تقویت مشارکت اقتصادی زنان و کاهش نابرابری جنسیتی راهنما خواهد بود.

افزایش مشارکت زنان در نیروی کار می‌تواند باعث رشد اقتصادی کشور شود، زیرا با حضور بیشتر زنان در مشاغل و کارآفرینی، عرضه نیروی کار بیشتر شده و بهره‌وری افزایش می‌یابد و از سویی دیگر باعث کاهش فقر و سرمایه‌گذاری اجتماعی در سلامت و آموزش می‌شود. وقتی زنان درآمد مستقل داشته باشند، خانواده‌ها به‌طور کلی از نظر اقتصادی در وضعیت بهتری قرار می‌گیرند که این امر می‌تواند منجر به بهبود کیفیت زندگی شود. همچنین مشارکت اقتصادی زنان یکی از کلیدهای دستیابی به برابری جنسیتی است. این مشارکت می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و کاهش تبعیض‌های جنسیتی کمک کند.

در این میان حضور بیشتر زنان در محیط‌های کاری می‌تواند به افزایش نوآوری و خلاقیت منجر شود و ارائه دیدگاه‌ها و ایده‌های مختلف در برداشته باشد. همچنین با افزایش درآمد زنان، نقش‌ها

و مسئولیت‌ها در خانواده‌ها ممکن است تغییر کند و به توزیع عادلانه‌تر وظایف خانگی بینجامد. به‌طور کلی، مشارکت اقتصادی زنان نه تنها برای خود زنان بلکه برای کل جامعه و اقتصاد مفید است و می‌تواند به ایجاد جوامعی پایدارتر و عادلانه‌تر کمک کند.

۶. پیشنهادها

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهادها در راستای این مطالعه عبارت است از:

- تغییر فرهنگ جامعه در جهت شناخت موانع اشتغال زنان و اهمیت و نقش زن در توسعه جامعه، اراده انجام اصلاحات لازم برای تسهیل شرایط ورود زنان به فرآیند توسعه و تعادل بخشی به کار زنان با خانواده در راستای سیاست‌های دوستدار خانواده باشد.
- علی‌رغم اهمیت مشارکت زنان در رشد اقتصادی، در این زمینه زنان با چالش‌ها و مسائل متعددی مواجه‌اند که موجب فراهم شدن زمینه امتناع و عدم مشارکت آنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی شده است که این امر نیازمند سیاست‌گذاری و توجه مسئولین به این مسئله است.
- کلیشه‌های جنسیتی در همه ابعاد زندگی زنان و مردان باعث می‌شود آن‌ها خود را برای پذیرش نقش‌هایی آماده کنند که در مسیر جامعه‌پذیری توسط نهادهای خانواده و آموزش پرورش به آن‌ها تعلیم داده شده است.
- فراهم کردن دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های مهارتی برای زنان به منظور افزایش توانایی‌های شغلی و کارآفرینی.
- ایجاد برنامه‌های وام‌دهی و حمایت مالی برای زنان کارآفرین و کسب‌وکارهای کوچک، به‌ویژه در مناطق روستایی.
- تسهیل فرآیند ثبت‌نام و راه‌اندازی کسب‌وکار برای زنان و ارائه مشاوره‌های لازم.
- تشکیل شبکه‌های اجتماعی و حرفه‌ای برای زنان به منظور تبادل تجربیات و حمایت از یکدیگر.
- برگزاری کمپین‌های آگاهی‌بخشی برای تغییر نگرش‌های منفی نسبت به نقش زنان در اقتصاد.

این پیشنهادها می‌توانند به بهبود وضعیت اقتصادی زنان و افزایش مشارکت آن‌ها در بازار کار کمک کنند. علاوه بر این در راستای انجام این مطالعه برخی محدودیت‌ها وجود داشته است از جمله محدودیت در روش مورد استفاده که روش کیفی فراترکیب است، بنابراین متناسب با محدودیت پژوهش به محققان آتی پیشنهاد می‌شود به انجام این مطالعه با استفاده از سایر روش‌های کیفی از جمله تحلیل مضمون و تجارب زیسته کارآفرینان موفق زن بپردازند و نتایج را با نتایج این پژوهش مورد بررسی و مقایسه قرار دهند.

منابع

۱. احمدی، سنور، کوهستانی، حسین، یادآور، حسین و شعبانعلی فمی، حسین. (۱۳۹۸). «فرا تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی»، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۸ (۲۷)، ۳۸-۲۱.
۲. آراستی، زهرا. (۱۳۸۵). «ساختارهای فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر اشتغال زنان (کسب و کارهای کارآفرینانه)»، پژوهش زنان، ۴ (۱ و ۲)، ۹۳-۱۱۹.
۳. آقایی، زهرا بدره، محسن، خواجه سروی، غلامرضا و رضوی، سید عبدالله. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی سیاست‌های حوزه اشتغال زنان در دو کشور اسکاندیناوی (سوئد و نروژ) و دو کشور مسلمان (ایران و ترکیه)، دو فصلنامه تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران، ۹ (۲۴)، ۲۶-۱.
۴. حسینی، رضا؛ کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی. (۱۳۹۸). سیاست‌های تأمین اجتماعی در چهارچوب سیاست‌گذاری اجتماعی با رویکرد اسلامی، معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۰ (۲): ۲۹-۴۸.
۵. حشمت‌اله، سعدی و جلیلیان، سارا. (۱۳۹۵). «نقش توانمندسازی زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان اسلام‌آباد غرب)»، نشریه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۶ (۲۱)، ۱۴۲-۱۲۹.
۶. داودی، محمدرضا و فاطمه دلداده آرانی. (۱۴۰۰). «شناسایی چالش‌های پیش روی زنان شاغل در حوزه صنعت: مطالعه موردی زنان شاغل در شهرک‌های صنعتی شهرستان آران و بیدگل»، تعالی منابع انسانی، ۲ (۲)، ۴۱-۶۵.
۷. رستمعلی‌زاده، ولی و رضاییان قراگوزلو، آذین. (۱۳۹۹). عوامل بازدارنده مشارکت اقتصادی زنان از سوی خانواده در جامعه محلی) مطالعه روستای بهده شهرستان پارسیان، زن و جامعه، ۱۱ (۴۱)، ۷۸-۵۳.
۸. زریه، سالومه، عدالتیان، جمشید و مختاری لاکلایه، مهران. (۱۳۹۹). «طراحی الگوی بومی مدیریت توسعه کارآفرینی زنان ایران در امور بانوان شهرداری تهران»، فصلنامه مدیریت کسب و کار، ۱۲ (۴۷)، ۱۹۷-۲۱۳.
۹. زعفرانی، لیلا سادات. (۱۴۰۰). «بررسی الگوی مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار با تمرکز بر ویژگی‌های فردی و خصوصیات خانوار»، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۲ (۳۶)، ۱۳۱-۱۰۷.
۱۰. عباسی اسفجیر، علی اصغر و رضایی روشن، هدی. (۱۳۹۹). «بررسی تأثیر اشتغال زنان بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب خاورمیانه»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۲ (۱۱)، ۲۲۶-۲۰۷.
۱۱. غفاری، غلامرضا، مؤمنی، فرشاد و یوسفی نریمان. (۱۳۹۸). «نقش انواع سرمایه در مشارکت اقتصادی زنان: مطالعه تطبیقی کشورهای اتحادیه اروپا و خاورمیانه»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۹۰ (۷۲)، ۹-۵۴.
۱۲. غفاری، غلامرضا، نیک‌بین صدقتی، فاطمه، اسماعیل‌زاده، خالد. (۱۳۹۱). «مشارکت اجتماعی زنان و تأثیر آن بر رفاه خانواده (مطالعه موردی: منطقه ۹ شهر تهران)»، زن و مطالعات خانواده، ۵ (۱۸)، ۶۲-۳۳.
۱۳. غیاث‌آبادی فراهانی، مریم؛ غفاری آشتیانی، پیمان؛ شبابی، هومن؛ قلیپور فریدونی، شهربانو. (۱۴۰۱). طراحی الگوی تاب‌آوری در صنعت گردشگری بر اثر بیماری کووید ۱۹، گردشگری و توسعه، ۱۱ (۲): ۱۳۱-۱۴۴.

۱۴. فرهاد، ساناز؛ پرداختچی، محمدحسن؛ صباغیان، زهرا. (۱۳۹۸). فراترکیب عوامل مؤثر در انتقال یادگیری به محیط کار، فصلنامه تأمین اجتماعی، ۱۴(۳): ۸۷-۱۱۲.
۱۵. کریمی، زهرا، جهان تیغ، الهام و ابراهیمی پورفائز، سهند. (۱۳۹۵). «جایگاه زنان در بازار کار کشورهای درحال توسعه‌ی مسلمان و غیرمسلمان (۲۰۱۰-۱۹۹۵)»، پژوهش‌نامه زنان، ۷(۱)، ۱۷۸-۱۵۵.
۱۶. گراوند، سعیده. (۱۴۰۰). حمایت از حق مادری زنان در زمان اشتغال، فصلنامه تأمین اجتماعی، ۱۷(۱): ۱۲۳-۱۵۰.
۱۷. مدرسی عالم، زهره، داودی، آزاده و اله ویردی زاده، سهیلا. (۱۳۹۶). «واکاوی مشارکت زنان در ایران»، مجله اقتصادی، ۱۷ (۹ و ۱۰)، ۱۳۸-۱۱۱.
۱۸. مطیع حق‌شناس، نادر. (۱۴۰۳). «عوامل و بسترهای پایین‌بودن نرخ مشارکت اقتصادی زنان ایران»، تداوم و تغییر اجتماعی، انتشار آنلاین از تاریخ ۰۳ اردیبهشت ۱۴۰۳.
۱۹. مقدم، وحید و مؤمنی راد، فهیمه. (۱۳۹۷). «ارائه شاخص‌های الگوی مطلوب اشتغال بانوان بر اساس تجربه صدر اسلام» اقتصاد اسلامی، ۱۸ (۷۲)، ۶۳-۹۴.
۲۰. موحدی، رضا و پویا، مهرداد. (۱۴۰۲). «راهکارهای توسعه‌ی مشاغل خانگی زنان با تأکید بر یک محله آسیب‌پذیر شهر همدان» توسعه محلی (روستائی-شهری)، ۱۵(۱)، ۱۷۳-۱۵۳.
۲۱. موفقیان، ناصر. (۱۳۸۲). چشم‌انداز رفاه اجتماعی در جهان امروز، فصلنامه تأمین اجتماعی، ۵(۱): ۱۴۹-۱۸۳.
۲۲. میرحسینی، زهرا و عباس پور، زهرا. (۱۴۰۲). «شناسایی موانع و عوامل بازدارنده مشارکت زنان در اقتصاد و توسعه»، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۱۲(۱)، ۲۰۳-۱۷۷.
۲۳. میرحسینی، زهرا و خسروی دهقی، کوثر. (۱۴۰۲). «تحلیل مضمون اسناد بالادستی و سیاست‌های مرتبط با مشارکت زنان در اقتصاد»، نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، مقالات آماده انتشار، پذیرفته‌شده، انتشار آنلاین از تاریخ ۲۹ آذر ۱۴۰۲.
24. Al Boinin, H. (2023). Women's entrepreneurship in the GCC: a literature analysis from a socio-cultural perspective, *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, vol. 17 no. 5. DOI: <https://doi.org/10.1108/JEC-03-2022-0048>.
25. Balasubramanian, Pooja & Ibanez, Marcela & Khan, Sarah & Sahoo, Soham, 2024. "Does women's economic empowerment promote human development in low- and middle-income countries? A meta-analysis," *World Development*, Elsevier, vol.
26. Baldwin, C. Y., & Clark, K. B. (2000). *Design rules: The power of modularity*. MIT Press.
27. Banerjee, S., Alok, S., George, B. (2020) Determinants of Women Empowerment as Measured by Domestic Decision-Making: Perspective from a Developing Economy, *Advanced Issues in the Economics of Emerging Markets*, DOI: <https://doi.org/10.1108/S1571-038620200000027001>

28. Becker, G. S. (1971). *The economics of discrimination*. University of Chicago press.
29. Becker, G. S. (1981). *A treatise on the family*. Harvard university press.
30. Bharti, N., (2021), Role of cooperatives in economic empowerment of women: a review of Indian experiences, *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*, vol. 17 no. 4, DOI: <https://doi.org/10.1108/WJEMSD-07-2020-0095>
31. Blau, F. D., & Kahn, L. M. (2017). The gender wage gap: Extent, trends, and explanations. *Journal of Economic Literature*, 55(3), 789-865.
32. Booth, A., Sutton, A., & Papaioannou, D. (2016). *Systematic approaches to a successful literature review*. Sage.
33. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
34. Card, D. (1999). The causal effect of education on earnings. *Handbook of Labor Economics*, 3, 1801-1863.
35. Crane, S.R., (2021). Entrepreneurship and economic growth: does gender matter? *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, vol. 14 no. 1, DOI: <https://doi.org/10.1108/IJGE-04-2021-0056>
36. Doeringer, P. B., & Piore, M. J. (1971). *Internal labor markets and manpower analysis*. Lexington Books.
37. Elda Ergo, A, O'Connor, D. & Leza Mega, T (2023). Women's microbusiness participation decisions and their effect on poverty in the Wolaita zone, southern Ethiopia, *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, vol. 16 no. 5, DOI: <https://doi.org/10.1108/JEEE-10-2022-0309>
38. El-Ghannam, A. R., (2002). Analytical study of women's participation in economic activities in Arab societies, *Equal Opportunities International*, vol. 21 no. 1, DOI: <https://doi.org/10.1108/02610150210787037>
39. England, P. (1992). *Comparable worth: Theories and evidence*. Aldine de Gruyter.
40. Fatemeh Sadrnabavi, F., & Daneshvar, H. (2022). Lived experiences of successful women entrepreneurs (SMEs) in Iran: a feminist phenomenological study.
41. Finfgeld-Connett, D. (2018). *A guide to qualitative meta-synthesis*. Routledge.
42. Folbre, N. (1994). *Who pays for the kids? Gender and the structures of constraint*. Economics for a new century. Published January 27, 1994 by Routledge.
43. Freeman, C. (1995). The national system of innovation in historical perspective. *Cambridge Journal of Economics*, 19(1), 5-24.
44. Fukuyama, F. (1995). *Trust: The social virtues and the creation of prosperity*. Free Press.

45. Ghafari Ashtiani, P., & Ghiasaadi Farahani, M. (2024). Identifying factors affecting the Management and Organization of Businesses based on e-commerce through a Meta-synthesis Approach. *Business Intelligence Management Studies*.
46. Goldin, C. (1990). *Understanding the gender gap: An economic history of American women*. Oxford University Press.
47. Golzard, V., (2019). Economic empowerment of Iranian women through the internet, *Gender in Management: An International Journal*, vol. 35 no. 1, DOI: <https://doi.org/10.1108/GM-11-2017-0145>
48. Gultekin, D., Yildirim, N., & Ozturk-Kilic, S. (2024). Empowering refugee and local women through social cooperatives: an unfinished success story in Southern Türkiye, *Social Enterprise Journal*, vol. ahead-of-print no. ahead-of-print, DOI: <https://doi.org/10.1108/SEJ-03-2024-0035>
49. Heckman, J. J., Lochner, L. J., & Todd, P. E. (2006). Earnings functions, rates of return and treatment effects: The Mincer equation and beyond. *Handbook of the Economics of Education*, 1, 307-458.
50. International Labour Organization (2023). *World Employment and Social Outlook: Trends 2023*. DOI: <https://doi.org/10.54394/SNCP1637>.
51. Kabeer, N. (2005). Gender equality and women's empowerment: A critical analysis of the third millennium development goal. *Gender & Development*, 13(1), 13-24.
52. Khan, R. E. A., & Khan, T. (2009). Labor force participation of married women in Punjab (Pakistan). *Journal of Economic and Social research*, 11(2), 77.
53. Major, C. H., & Savin-Baden, M. (2010). *An introduction to qualitative research synthesis: Managing the information explosion in social science research*. Routledge.
54. Mincer, J. (1958). Investment in human capital and personal income distribution. *Journal of Political Economy*, 66(4), 281-302.
55. Mincer, J. (1962). Labor force participation of married women: A study of labor supply. In *Aspects of Labor Economics* (pp. 63-105). Princeton University Press.
56. Mincer, J. (1974). *Schooling, Experience, and Earnings*. New York: Columbia University Press
57. Noblit, G. W., & Hare, R. D. (1988). *Meta-ethnography: Synthesizing qualitative studies*. Sage
58. Ntuli, M. (2007). Determinants of South African women's labour force participation, 1995-2004, *IZA Discussion Papers*, No. 3119, Institute for the study of Labor (IZA), Bonn.
59. OECD. (2018). *the Missing Entrepreneurs 2018: Policies for Inclusive Entrepreneurship*.
60. Paterson, B. L., Thorne, S. E., Canam, C., & Jillings, C. (2001). *Meta-Study of Qualitative Health Research: A Practical Guide to Meta-Analysis and Meta-Synthesis*. SAGE Publications.

61. Piore, M. J. (1970). Jobs and training. د A. Rees (Ed.), Microeconomics of labor markets (pp. 155-174). Princeton University Press
62. Sandelowski, M., & Barroso, J. (2007). Handbook for synthesizing qualitative research. Springer Publishing Company. Qualitative Research in Financial Markets, vol. 15 no. 5. DOI: <https://doi.org/10.1108/QRFM-12-2021-0198>.
63. United Nations Statistics Division (2015). The World's Women 2015: Trends and Statistics
64. Verick, S. (2014). Female labor force participation in developing countries. IZA World of Labor.
65. Walsh, D., & Downe, S. (2005). Meta-synthesis method for qualitative research: A literature review. Journal of Advanced Nursing, 50(2), 204-211.
66. World Bank (20219). Women, Business and the Law.
67. www.wvi.org